شماره چهاردهم

بتاریخ پنجشنبه هفدهم محرم الحرام ۱۳۲۹

نشریه نسوان

۱۳۲۸

روزنامه ایست اخلاقی وبچه‌داری وخانه داری و مسلك
مستقیمش تربیت نسوان و دوشیزه گان و تصفیهٔ
اخلاق زنان وغیره وغیره است

محل اداره

طهران خیابان علاء الدوله نمره ۲٤

صاحبهٔ امتیاز و مدیره

خانم دکتر کحال

مقالا تیکه بامسلك جریده موافقت دارد

پذیرفته خواهد شد

مکاتیب وارده بصاحبانش مسترد نمیشود

اعلان نات سطری یك قران

قیمت اشتراك

یکساله شش ماهه سه ماهه

طهران ۱۲ قران ۷ قران ٤ قران

ولایات داخله ۱۵ قران ۹ قران ٥ قران

ممالك خارجه ۷ فرانك ٤ فرانك

تك نمره طهران ٤ شاهی

سایر ولایات ٥ شاهی

عجالتاً هفته یك نمره طبع ونشر

خواهد شد

اخطار

محل فروش و توزیع جریده دانش اولا درخود اداره است وثانیا خیابان علاء الدوله در کتابخانه مسیو بار ناووت فرانسوی است

اعلان

دکتر کلاك طبیبه امریکائی که بتازه کی وارد طهران شده‌اند ازبرای خدمت بنوع محکمه جنب سفارت امریکا باز نموده است وکل امراض زنانه ومردانه را ازصبح تاظهر معالجه مینمایند

دانش

کمال تشکر از چنین وجود شریفی حاصل است و ورود ایشان را تبریك مینمائیم که چنین وجود شریف برهریك از نسوان ایران مغتنم است گذشته ازبرایی معالجه امراض برای قابله کی زنان چقدر لازم است سابق براین مردم بواسطه نبودن طبیبه لابد بودند که بعضی اززنان بی علم را فقط بواسطه اسم و شهرت بیاورند با دستهای ناپاك پرازمیکرب ان بیچاره را مبتلای بهزاران امراض می نمودندو اگر خدای نخواسته اتفاقی روبی دهد که باپا یادست بچه بیاید یاسر بچه بزرك باشد بیرون نیاید عاجز خواهند ماند . یکی ازاطباء نقل میکرد که وقتی هرزن ابستنی فارغ میشد طولی نمیکشید که فوت میشد در مقام تجسس برامدم که جهت ان چیست معلوم شد که چند نفر قابله شهر در خانه خود مریض مطبقه وبادسرخ داشتند وبواسطه انکه بمیکرب قائل نبودند و بسرایت مرض هم معتقد نبودند دست بزنهایی بیچاره میزدند وانهارا بهمین مرض مبتلا میکردند .. لله الحمد متشکریم دراین وقت این نعمت عظمی ازبرایی اشخاصی که خواهند بعرصه وجود بیایند ودراین باب درکمال سهولت متولد خواهند شد

(دستورالعمل دایه گان)

تمام شیره خوارکالبکه سالم متولد میشوند مبنی بر آنها برانك طبیعی و بقاعدهٔ تمام اعضای اوصاف و موزون و متناسب است اگر دایه از بدو ولادت او را درست توجه و مواظبت نماید هم مزاج او سالم میماند و هم دندان او عیب نخواهد کرد و هم اخلاق و دیانت او درست خواهد بود . هوش و زکاوت وفر و کمال او در بزرگی تماماً بواسطه خوبی توجه دایه است و هرگاه جزئی نقصی در صحت و حال او در بزرگی پیدا شود تماماً بواسطهٔ پرورش دایه است که در طفولیت او را درست توجه ننموده است مه دختری که تا سن هفده سالگی او را درست تربیت نکنند وحفظ الصحه آنرا ننموده باشند هر عیب و عاتی مزاجاً یا اخلاقاً داشته

باشد تماماً بواسطهٔ دایه بوده است و رفع آن ممکن نخواهد بود ... مثلا کج خلق باشد تقصیر دایه است دایه میگوید خیر کج خلقی بواسطهٔ علت مزاج اوست خیلی خوب علت و ضعف مزاج از کجا آمد بچه سالم و بیگناه مولود شده پس معلوم است که از بی مبالاتی دایه خالم شده است یا حرکت خلافی از او سر میزند دایه میگوید من که باو نگفتم چنین بکن ماشا الله سر خود است و بزرگ شده است من که حریف او نمیشوم درست است دایه باو نگفت که فلان خلاف را بکن ولی سبب شد که او بکند چطور سبب شد ... این طور سبب شد که درطفولیت آن شخص یا حرکتی بر خلاف از خودش سر زد یا دیگری حرکت خلافی نمود دایه نزد طفل مزمت ننموده و نگفت که این کار بدی است برای آنکه هر چه در طفولیت بکنند و بگویند طفل را بدانطور مایل و راغب میسازند مخصوصاً القای باو خوب باید هر چه باو در طفولیت القا کنند در بزرگی مایل و پیرو خواهد بود پس مسئول هر فردی از افراد انسان دایه و مادر است که باید در محضر عدل الهی جواب بگویند ... ای دایه خانمهای ازخود راضی که همه قسم ترقعات از پدر و مادر دختر و داماد مینمائید انهمه ناز و لطف ها که خود را ازدختر ومادردختر عزیز تر میدانید دستورالعملی بشما میدهم که لا اقل قابل یکی از آن توقعات خود باشید ... دخترهی را که توجه و پرورش می نمائید باید مثل کتاب پر قیمت مطلوبی باشد که جلد ان را نظیف و قشنگ مینمایند تذهیب میکنند که مردم بواسطه دیدن جلد انکتاب را راغب و مایل دیدن توی کتاب شوند که آیا مطالبات ان مثل جلد آن خوب و قشنگ است یا خیر ... پس دایه که میخواهد دختراو قشنگ ومقبول باشد باید که سه کار کند

۱ حفظ الصحه انرا بکمال دقت و معرفت بنماید

۲ اخلاق انرا از روی دیانت و تربیت وکمال تصفیه نماید

۳ شستن و پاکیزه کی وترتیبات تنظیف او رانماید

ملاحظه کنید بچهره طفلیکه سالم المزاج باشد چگونه با آب و رنگ و بشاش میباشد که اگر شخصی بزرگی هر چه خود را شست و شو وبرگ نماید بخوبی چهره طبیعی انطفل نخواهد شد پس نیکوئی چهره طفل سالم المزاج را همیشه درنظر داشته باشید چهار چیز که ضد نیکوئی و چهره و اب رنگ است وباعث خفه گی چهره و رنگ رو و خشکی و غیره است از این قرار است

(۱) اینکه دارای ماده کج باشد

(۲) سابونهائی بدل و نامناسب که بیشتر از روسیه و المان میاورند

(۳) تهلیل نرفتن غذا

(٤) در هوای گرم و سرد بی اعتدال و زیاد بودن

مابین این چهار علت که ضد خوبی چهره اند انستکه بیشتر ازانهای دیگر باعث خرابی رنگ و رو خواهد

سرگذشت دهقان زاده عالی طبع

برعکس بواسطه این صحبت ها اورا بدتر غره نمودید مستر فرمونت از انجائیکه غریق عشق ومحبت بود ابداً اعتنائی بمستر روز نکرد ومحض لجاجت باو فوراً گفت تمام دولت و ثروت انسان بقدر یک دقیقه عزیز بودن خدمت دوستان ارزش نخواهد داشت هردم که در حضور عزیزی بسر بری در باب کز حیات جهان حاصل القدم است ... مستر روز بیچاره ساده لوح بگمانش انکه مسترفرمونت تب کرده هذیان میگوید وخواست که صحبت اورا اقلا قطع کند وچیزی باو بگوید که این صحبت ها باز داشته شود ... دختر فوراً صحبت پدرا قطع کرده گفت سرکار صحبت چشم است همینکه عیب اتفاق افتاد بحث کم میشود شما

بود و این مسئله بدیهی است که در ولایاتیکه زنهای آنها وجیه و با اب ورنك هستند بواسطه خوبی اب انجا است و بهترین ابیکه مناسب و مفید سر وصورت است اب باران است ... در ولایاتیکه ابشان دارای کیفیت دروقتیکه دوسم باران نباشد بایداب راجوشانده وصاف کرده صورت با ان بشویند .. البته خوانندگان عزیز ما از اینجا قیاس خواهند نمود در صورتیکه برای شستن صورت اب جوشیده وصاف کرده باید بکار برند ازبرای اشامیدن ومزاج بطریق اولی باید ابهائیکه مردم بودست میزنند یاب انبار وکهنه وغیره است باید جوشانده وصاف نمود تا انکه مبتلا بامراض گوناگون نگردند .. باری درصورتیکه لکه وچرکی بصورت طفل نشود ویا بواسطه عبور وراه رفتن گرد وغبار بگیرد روزی دومرتبه صورت انرا شستن کفایت است یکمرتبه صبح یکمرتبه عصر که زیاده از این شستن مسامات صورت را بی اندازه باز نموده وسبب جذب چرك میشود واگر بواسطه شستن دو مرتبه رنك رو بجا نباشد بدانید که بواسطه کسالت مزاج اوست

طریقه شستن و خشك نمودن صورت

ابرو پارچه پرمی وزخیم بصورت زدن خوب نیست بلکه برای شستن پنبه ویا پارچه تنزیب ملایم بد نیست وانرا هم باید زود بزود عوض کنید و به گذارید که کهنه شود .. واز برای خشك نمودن نباید که بسختی حوله بصورت بکشد بلکه باید باحوله نرم آهسته خشك کنید وحوله هم باید بی گورك وکتانی باشد تاانکه ذرات پنبه او بصورت نچسبد حکمای خارجه که درعلم خوشکلی تجربیات و معلومات زیاد بهمرسانیدند چنین میگویند که اگر بچه را یاد بدهید از طفولیت صورت خودرابادستهای خودش بشوید خیلی فایده دارد و در بزرگی از چروك وچینها وفرو رفتن دو طرف صورت جلو گیری مینماید ولی بشرطیکه ملاحظه کنید بچه تنبلی نکند و بخوبی صورت خودرا بشوید

بقیه دارد

عروسیهای ممالك خارجه

(بقیه از شماره قبل)

این ترتیب عروسی بزرگان و اغنیای فرانسه است ولی کسبه و فقرای ان ها بعداز عقد روزی که تعطیل است همه دعوت شده گان باعروس و داماد باتفاق باید بروند بگردش تمام مهمان خانها و تیاتر خانها وباغات شهر را گردش و تفرج می نمایند ... ویك رسمی دیگر دارند که اگر داماد صاحب منصب واهل نظام است باید انچه اهل نظام در ان مجلس می باشند تماما باید در وقت عقد دور عروس وداماد ایستاده شمشیر های خود را برهنه روی سر ان ها بقسمی نگاه دارند که تك شمشیر ها متصل

که بشهر تشریف ببرید وضع وتربیات اعیانی انجا دیگر مارا فراموش خواهید کرد و از صرافت خواهید افتاد این راگفت و اهی ازدل برکشید ونظر بچهره پدر کرد به بیند متغیر است یانه پدر در کمال تغیر بود همینکه دید پدرش متغیر است مخصوصاً دوباره اظهار نمود که سرکار شما بسلامتی شهر تشریف می برید ومشغول خوش گذرانی های خودتان خواهید شد ولی ما بیچاره ها نمیدانیم چگونه مفارقت شمارا میبریم ونمیدانیم چگونه تشکر وامتنان خودرا از فیض حضور شما که دراین چند مدت بما رسیده بنمائیم که فی الواقع حق معلمی و تربیت شما بر ذمه ما زیاد است وما نسبت بدهقانی وفهمی که پیش داشتیم تفاوت کلی کرده ایم خصوصا پدرم که از روزیکه شما تشریف اوردید خیلی تفاوت کرده وتربیت شده است ... ایشرا که گفت متروز متهور شده گفت دختر دیوانه شده چه فضولیهائی بیجا میگنی همینکه دختر این تغیر را ازپدر دید گفت این قسم داد وبیداد نکن که نجابت خودرا باقا نشان بدهی اما تقصیر شما نیست واقا هم ایراد بر شما

بیك دیگر باشد و این را فال خوب وشگون میدانند ...

رعیت فرانسه از ان جائیکه ترك دنیائی زیاد دارد واز دواج هم کم میشود نفوس او روبه تناقص است لهذا دولت مخفی از دیاد نفوس و رعیت خود خیال دارد که یك قانونی بگذارد که رعیت بانتخابی کشیشان تماما در جوانی و بزودی ازدواج نمایند و الا جریمه شوند هریك از رعیت باید دو سال خدمت بدولت نماید اگر نابینا و نه سالکی عیال اختیار نه نماید باید چهار سال خدمت کند و اگر نامی و پنج ساله کی عیال اختیار ننمود هرصنعت و حرفی که انشخص دارد ازدست او خواهند گرفت تا انکه بدین ترتیبات مجبور عیال اختیار کند

(تفصیل عروسیهای روسها)

عروسی های روس ها اکثر از فرقه کلدانی هستند مثل سایر ممالك طور بصورت نمیکشند ودست کشهم نباید بپوشند و ساق دوشبهم نخواهند داشت عوض ساق دوش یا ان دو فریکه دست رأست وچپ عروس باید بایستند دوازده پسران جوان از کسان خود یاغیره باید عقب عروس بایستند وعقب سرداماد هم دوازده پسر می ایستد و یك پسر کوچکی هم مجسمه که شبه حضرت مسیح است هردست گرفته جلو عروس افتاده دعائی دارد انرا میخوانند ومیروند نزد کشیش بعداز ان دو عدد شمع بلند و باریك روشن کرده یکی بدست عروس ویکی هم بدست داماد میدهند این شمع ها باید دردست ایشان بسوزد تا انکه عقد تمام شود

و بعدازان یك تاجی هست که باید این بیست و چهار پسر که یك بیك ان تاج را روی سر عروس و داماد نگاه داشته سرودی مخصوص دارند که باید بسرایند پس از این ترتیبات تمام حضار میروند بخانه عروس وشغول عشرت هستند تاوقتیکه عروس را ببرند ورسم است که انروز کسان عروس هرکدام بقدر قوه یك هدیه وتعارفی بعروس و داماد تقدیم کنند و عروس وداماد هم باید درازای ان هدیه بدهند وبسایرین هم که اقوام نیستند باید یك تعارفی کنند .

دران وقتیکه شمع ها میسوزد یك نفر تنه از طور روی لباس های عروس میپوشانند که اگر اشك شمع بچکد لباس اورا خراب نسازد .. وترتیب خواست گاری وعروس انها بطور اهل فرانسه وایران است که باید والدین وبزرگتر کس را به پسندند وانتخاب نمایند

طریقه ازدواج انکلیسها

هر انتخاب خواستکاری مطلقا اختیار با خود پسر و دختر است که هر که را بمیل خود یافتند قبول نمایند ولی برحسب حکم دولت نباید

نخواهد گرفت میداند که اهل این ده یك مشت رعیت بی شعور وتافهمی میباشند خصوصاً شما که یك اسبابانی از اهل این ده هستید کجا را دیدید وبا که نشستید که چیزی بفهمید مستروز شدیدتر وغضبناك تر شده گفت چیزیرا بدانید روی خودرا بطرف مسترفرمونت نموده گفت سرکار مگر تا بحال یك خلاف قانون یا سوء ادبی ازمن مشاهد کرده اید ؟ مسترفرمونت خیر خیر ابداً جز انسانیت از شما چیزی ندیدم ... دختر گفت دیگر من نمیدانم همین قدر میدانم که اگر اقا شش ماه دیگر در اینجا باشند از برای بابایم خیلی خوب خواهد بود ... مستروز درکمال تهور وغضب مشت خود را بشدت روی میز زده گفت اکاه کن چه دختر بیحیائی شده است ... دختر یك نگاهی بمسترفرمونت کرده وباشاره سر توهینی بپدر نموده اهسته گفت جواب ابلهان خاموشی ... وبعد گفت اقا نه فقط ما بواسطه حضورشما تربیت شده نیستیم ان خدمت کار ماهم بسیار تربیت شده است ولی نمیدانم کدام یك از اینها بهتر تربیت شده اند خدمت کار بابدرم ماشاء الله پدرم هز

که پسر یا دختر قبل از چهارده سالگی ازدواج نمایند ورسمستکه داماد باید تمام اساس البیت و لوازمات زندگی را فراهم کند ولی عروس فقط چند دست لباس خود را هرچند می تواند باید همراه خود بیاورد ٠ و وقتیکه دو نفرنامزد بکدیگر شدند تا سه هفته نمیتوانند عقد شوند ولی دیر تر هرچه قدر که صبر داشته باشند بمیل خودشان است و در این سه هفته که نمی توانند عقد شوند برای انستکه باید کتبیش در سه یکشنبه موقع نماز یعموم مردم اخطارکنند که این دو نفر معین میخواهند زن و شوهر شوهند هرکس هرعلتیکه مانع از عقد آیشان است الان بمن بکوید بعد ازاستعلام کتبیش که فهمید این دونفر سرشان جای دیکر بند نیست و درمحله های دیکر زوج وهمسری ندارند ان وقت این دو نفر را بعقد درمیاورد ٠٠٠ جمع ندارك عروسی را باید در خانه عروس به بینند و مجلس جشن هم درانجا خواهد بود وروز عقد باید همته دعوت شدکان قبل از نهار درنماز خانه جمع باشند وعقب سر عروس چند دخترهای هم سن خودش باشد و عقب سرداماد یك جوان ازنزدیکان خودش خواهد بود ٠٠ بعد ازعقد معتبرین اهل المجلس در اطاقیکه متصل بنماز خانه است جمع شده ورقه هست که باید شهادت واعتراف خود را نوشته امضا نمایند که این دونفر عقد شدند وبعد تماما در خانه عروس رفته صرف نهار خواهند کرد وهمچه رسم است انها نیکه از نزدیکان و خودی ایشان است باید در موقع عقد و برای نهار حاظر باشند ولی کسانیکه خودی نیستند فقط اشناآ هستند انهارا از برای بعد از نهار دعوت مینمایند تمام دعوت شده کان هستند تاهنکام غروب و هنکام غروب اسب یا درشکه هرچه هست از برای عروس وداماد دم در حاظر میشود که باید ازهمه خداحافظ کرده بیك سفر نزدیکی بروند ویکماه سفر انها طول خواهد کشید و بعد از یکماه مراجعت بخانه خود خواهند نمود که هیچ رسم نیست که شب زفاف عروس و داماد درولایت و مسکن خود باشند رسم استکه باید قبل ازعقد نقطهٔ را معین کنند که بعد ازعقد بفاصله چند ساعت عازم راه شوند ودرانولایت نباشند

بقیه دارد

بقیهٔ سر گذشت خانم جوان

در دو نمره قبل شرحی در خصوص تقصیرات خود اظهار نمودم باز میخواهم بیعضی تقصیرات خود اعتراف نمایم یکی از ان تقصیرات من این بود که توجه بدندانهای اطفال نمی نمودم ونمیدانستم که توجه بدندان وتنظیف آنرعن آن بحفظ الصحه انسان اقافه کلی دارد خصوصاً در دندان اولی سر غذا خوردن بسیار مؤدب وخوش اختلاط میباشد مستر روز بیجاه بیش از این تاب سرزنش و درشتی دختر را نیاورده قبمه میز از سر شفره برخواسته بیرون رفت همینکه از اطاق خارج شد مسترفرموت گفت بد کردی تامروز اوقات پدر بیچاره اترا تلخ نمودی خدامرکش بدهد تا انکه از دست شما اسوده شود ٠٠٠ دختر گفت چکنم محض خوبی خودش میکویم انوقت ازمسترفرموت پرسید راست میفرمائید کهازاینجا تشریف ببرید غصه خواهید خورد ؟ ٠٠٠ مستر فرموت ٠ غصه چه چیز است اندردیکه من میکشم از غصه چیزی هم بالا تر است ٠ دختر برای پدر هم دات تنك میشود ؟ ٠٠٠ مستر فرموت یك اهی برکشید ٠ دختر باز گفت کان میکنم که از برای خدمت کار ماهم دلتنك خواهید شد امیدوارم که مرا هم فراموش نفرمائید ٠ مسترفرموت فوراً گفت به شما را فراموش کنم هرگز فراموش مرا کاریست مشکل ٠ ازاین اظهار دختر امیدوار شده گفت خیلی تشکر میکنم از این عبارت که حامل حال من گفته که مثل جنابعالی شخص محترم معظمی مرا بدوستی

طفل که اگر ان دندان اول اورا درست توجه کنند دندان ثانی او که بعدازان باید بیرون بیاورد صحیح وسالم خواهد درامد وهم نباید که انسان چه بزرك وچه کوچك و طفل بادندان ناشسته بخوابد حال که ملتفت این چیز ها شدم خیلی تاسف میخورم که کاش کسی این هارا دراول جوانی بمن یاد میداد درموقع خود بدانم ... قبل از اینکه من بخانه شوهر بیایم دایه این بچها شاه این سه پسربزرك را در رخت خاب ایشان میداد بملاحظه نداشتن فرصت ونبودن وقت که باید توجه بسائر بچها وکار خانه کند این بزرك هارا که در رخت خاب شام میداد من هم که وارد این خانه شدم متنفر نبودم که این طریق غذا دادن خوب نیست و بکلام که باید همین طور باشد ونمیدانستم که این عادت مخصوصاً دندان را خراب خواهد کرد بعد از گذشتن چند ماه دیدم که دندانهای انها معیوب گردید خودم دوای مسکنی بلد بودم که می گذاشتم در سوراخهای دندان کرم خورده وآن جوش شیرین بود واگر دردش سبك بود یك اهن شو ازآن درست میکردم ودهان انها را میشستم درد آنها ارام می گرفت واین دوا انقدر سریع الاثر وخوب بود که بچها بمحض انکه دندانشان درد می گرفت فوراً می امدن وهمانکه دوارا می گذاشتم فوراً ساکت می شد ولیکن بعد ازان فهمیدم و دانستم که این دوا ممکن است و موقتاً درد را ساکت می کند اما رفع علت را نخواهد کرد البته باید ملتفت بود دندان که سوراخ واکه پیدا کرد نباید منحصر نمود بدواهای مسکن بلکه باید برد نزد دندان ساز که صحیحا چاره اورا بکند اگر چه درد هم نداشته باشد لیکن من نمی دانستم تا انکه روز بروز درد دندان بچها زیاد تر می شد من هم ازاین جوش زیادتر بدندان ودهان انها میزدم اخر یکروز روز نامه خواندم که جوش شیرین ضرر بپوست معده میرساند بمجرد فهمیدن این مطلب بسیار هول نمودم و فورا بچها را بمحکمه دندان ساز بردم وقتی انجا رفتم از قضا ان شخص دندان ساز که اول دندان ساز شهر ما بود ناخوش بود و در محکمه نبود ومن هم لابداً بچها را بردم نزد دندان ساز دیگر که از ان قدری هر عمل دندان سازی پست تر بود و پس از ملاحظه دندانها گفت که اینها را باید کشید و فوراً دو سه دندان را که زیاد کرم خورده بود کشید و دو سه دندان دیگر را که کمی کرم خورده بود ودرد نداشت بحال خود گذاشت و مداوائی نکرد چونکه قاشی بود و بیش از این نمیدانست واین بچها روز بروز ضعیف و رنجور می شدند و تب می کردند و بی حال بودند تا انکه ان دندان ساز که ناخوش بود خوب شد و من بچها را پیش او بردم و تمام احوال بچها و و مداوای خودم و مداوای ان دندان ساز قاشی را برای ایشان تعریف کردم ... او دندان بچها را ملاحظه نمود و گفت این بچها نه فقط از علت

قبول کرده بیاد اوری نماید • مسترفرموئت گفت امیدوارم که محض اسم ورسم وثروت من مرا بخواهید دختر بفکر فرورفته بعد ازقدری تامل گفت البته اخلاص و ارادت من فقط سلامتی وجود مبارك را طالب است • مسترفرموئت خیلی خوب ولی فرضاً اگر بدین رتبه ومقامیکه ملاحظه نموده اید نباشم ویك شخص کاسبی فقیری باشم انوقت رغبت بمن داشتید یا خیر ؟ دختر گفت به عجب فرمایشاتی میفرمائید وهوسهائی دارید خدا نکند که انطور باشید • مسترفرموئت مضطرب و متزلزل شده گفت خوب فرض کنید بدین طور که عرض کردم بودم انوقت چطور میشد ؟ دختر ازانجائیکه بچشم محبت اورا دیده بود هیچ همچه احتمالی را بابو نمیداد وگفت هیچ فایده ندارد که این فرمایشات شمارا تصور کنم ولکهی اثار بزرگی وجلالت از جبهه شما هویداست •• شاهد ان نیست که موئی ومهالی دارد • بنده طلعت ان باش که انی دارد قه الحمد آلبت و معانیت و بزرگی همه بر شما مسلم است مسترفرموئت سر خودرا جنبانده گفت راستی حسرت یکی از زارعین

دندان درد می کشد بلکه مزاجشان هم پاك نیست وباید مسهلی بخورند و عجب است که تا حال ملتفت نشده اید دندانی که سکه برداشت ان لکه و کشیدگی دندان را اگر مداوا ننمایند باعث خرابی معده خواهد شد این بیانات را که شنیدم بسیار خجل شدم که چرا باید من این طور نادان باشم که این بچهای بیچاره دوچار این همه صدمه شوند پس از ان دندان ساز از من پرسید که غذای بچها چه چیز است من غذای معمولی انها را گفتم که چه بود وعادت هم بران بود که در رخت خاب شام می خوردند

دندان ساز این بیان را که از من شنید گفت که چه شد شما نگذاشتید این طور عادت در خوردن غذا نمایند مگر نمی دانید بچه که در رخت خاب غذا بخورد نمی داند چه طور باید بخورد خاب الوده و کسل وناجائیده فرو میبرد و بعضی از غذاهای ناجائیده سبب فساد معده خواهد شد و بعضی از غذا هم لای دندانها می ماند و می کندد و بعضی که زود دندان ایشان عیب می کند بواسطه خوب تحلیل نرفتن غذاوگم قوتی خون است هر نوع دندان که شخص داشته باشد لق یا کم قوت باید که از اول ان را بخوبی شست و پاکیزه و تمیز نگاه داشت که هم دوام نماید وهم مزاج سالم بماند اگر چنانچه می خواهید دندان اطفال شما سالم بماند باید قبل از خاب دندانهای انها را بشوئید ودیگر نگذارید چیزی بخورند تاصبح

(خطاب بدختران)

(ثمره محبت)

گان میکنم که خالنده گان عزیز مایلتفت باشند که در هرنقطه از نقاط دنیا پرویم اشخاص اهل محبت پیدا میشوند و هر وقت ادراك فیض خدمت همچه اشخاص رابنمائیم یاهمجوار فیض اشخاص شویم خویش بخت وسعادت مند خواهیم بود خصوصاً که از ایشان کسب اخلاق نمائیم وپیروی ایشان کنیم محبت برخلاف کینه وحسد و غیض وغضب است شخص بامحبت ازتمام صفات ناپسندیده منزه ومبرا است وبد بخت کسی است که از محبت دور و طبیعش پیروی محبت ننمایند که همیشه بی دوست وبد روزگار خواهد بود هرگاه ازروی حقیقت تصور نماید دنیا اینه است که تمام رفتار وکردار انسان دران اینه مینماید ومنعکس میگردد خوب باید هرچه ازانسان صادر شده باشد همان رابدین بان انسان پس خواهد داد ومحبت ازفطرت سلیمه وذات خوب حاصل می شود وباید که محبت هم ازصمیم قلب باشد نه بقول وزبان که هرگاه محبت درقالب نباشد هرچه لفظا محبت نماید یاپیش خود خیال محبت کند هیچ فایدة ندارد مگر انکه محبت خودرا اگراز روی قلب باشد در حق هم نوع خود منظور بداری والا ثمری ندارد و هر کس هم خوب وبد را تمیز میدهد و حسن محبت را میداند لیکن تامحبت قلبی نباشد بقیه دارد

پدرت را میکشم که در مزرعه کار میکنند تاانکه همه روز از فیض جمالت بهره مند و محظوظ گردم چگنم که دوسه روز دیگر باید از خدمت مرخص و بدرد مفارقت مبتلا میشوم ایشرا گفته و از سر جای خود بر خاسته نزدیك دختر نشست وگفت مپس روز من یك شخص فقیر وبی دولتی میباشم این دوهفته که خدمت شما هستم بطور تمهید ومقدمه محض تنبه شما بود فریب دادم شمارا انقسام ومرتبه که تصور نمودید دامن نیست .. دختر گفت واه چه حرفها ؟؟ مسترفروت . راستی عرض میکنم باور کنید .. دختر .. منکه هرگز باور نخواهم کرد .. مسترفروت باخود خیال کرد که اگر حالا من از دهن این بیرون نیاورم واورا متنبه نکنم پس از آن معلوم شد من یك لات لوت اسمان جای هستم بقیه دارد